

دیدگاه انتقادی

ترامپ دشمن آب وهوانیست، بلکه بدتر از آن است.

این یادداشت که توسط رایبسون میرا (از نویسندگان نشریه آتلانتیک که در حیطه تغییرات آب و هوایی و فناوری قلم می‌زند)، در بخش علم پایگاه The Atlantic در ۵ نوامبر ۲۰۱۹ منتشر شده است. او به انتقاد از سیاست‌های دونالد ترامپ و خروج از توافق اقلیمی پاریس پرداخته است تا جایی که در ابتدای متن با رویکردی طعنه‌آمیز می‌گوید: «رئیس جمهور ترامپ، آمریکا را از پیمان آب و هوایی پاریس بیرون می‌کشد، زیرا نمی‌تواند از کربن دست بکشد.»

دیروز آمریکا فرآیند رسمی ترک پیمان آب و هوایی پاریس را شروع کرد؛ زیرا دیروز، نخستین روزی بود که به لحاظ حقوقی می‌توانست خود را از این پیمان بیرون بکشد. این کشور در چهارم ماه نوامبر ۲۰۲۰، یعنی یک روز پس از انتخابات

سال بعد، در بحبوحه شایعات از سیمت نمایندگی محافظت از محیط زیست استعفا داد. وزیر امور خارجه، ریکس تیلسون^۴ - که ترامپ بعدها وی را برکنار کرد- و وزیر انرژی، ریک پری^۵ - که قبل از پایان سال استعفا خواهد داد- نیز شرکت داشتند. تلاش برای ترک پیمان پاریس تاکنون و تا پایان ریاست سه مقام مسئول، چهار مشاور امنیت ملی و ۱۰ وزیر کابینه، ادامه داشته است؛ اما خود ترامپ، واقعاً می‌خواهد که از این پیمان خارج شود.

تکرار می‌کنند: پیمان آب و هوایی یک جانبه، پُرهزینه و وحشتناک

در این راستا، دیروز اعلام بیانیه تقریباً منتفی شد. دیشب، رئیس جمهور ترامپ، کمپینی در لکسینگتون^۶ واقع در ایالت کنتاکی^۷ به راه انداخت؛ کنتاکی ایالتی است که هزاران شغل معدنی در آن وجود دارد. باین حال،

ریاست جمهوری، از این پیمان بیرون آمد. مثل این است که سال‌ها به فکر بیرون آمدن از پیمان پاریس بوده‌اند و این حرف غلط نیست. از قبل و در همان روزی که دونالد ترامپ انتخاب شد، مشخص بود که پیمان پاریس را ترک خواهد کرد. پس از اندکی تردید و دودلی در اوایل دوره ریاست جمهوری، ترامپ شاد و متکبرانه در ماه ژوئن ۲۰۱۷، در رُزگاردن^۲ سخنرانی کرد و قول داد که از این پیمان، بیرون خواهد آمد؛ اما به موجب شروط این پیمان، او تا اواخر این هفته به طور رسمی نمی‌توانست قصد خود را به سازمان ملل متحد اعلام دارد و در این میان، دیپلمات‌های آمریکا در مذاکرات آب وهوا شرکت می‌کردند. تقریباً دو سال و نیم بعد، اگر سخنرانی سال ۲۰۱۷ را که بیش از نیم ساعت به طول انجامید، به خاطر بیاوریم، اسکات پرویت^۳ تنها مقام جمهوری خواه کابینه که در آن رویداد سخنرانی کرد، کمتر از یک

4-Rex Tillerson
5-Rick Perry
6-Lexington
7-Kentucky

2-Rose Garden
3-Scott Pruitt

1-Robinson Meyer

بیرون می‌آید که او واقعاً می‌خواهد، گذار جهان از سوخت‌های فسیلی را کاهش دهد.

دشمن آب‌وهوا
مخالفان سیاسی ترامپ (و گاهی اوقات رسانه)، اغلب او را «دشمن آب‌وهوا» معرفی می‌کنند؛ اما این اصطلاح، در واقع مبالغه است. نظرات بیان‌شده ترامپ درباره علوم آب‌وهوا بسیار در هم برهم و فرصت‌طلبانه است و نمی‌توان هیچ‌گونه برجسب روشن و واضحی به آن‌ها زد. در اینجا مردی وجود دارد که می‌تواند به سردبیران روزنامه نیویورک تایمز بگوید: «بین فعالیت انسانی و تغییر آب‌وهوا ارتباط وجود دارد» و دو سال بعد بگوید: «افزادی مانند من، دارای سطح بالایی از هوش هستیم، اما ضرورتاً چنین عقیده‌ای (درباره آب‌وهوا) نداریم» و در نهایت هم در یک برف و کولاک اعلام کند که «آیا بد نیست کمی از آن حق گرم شدن جهانی زمین را که قبلاً با آن مواجه بودیم، الآن داشته باشیم؟»

ایدئولوژی گرینبسم

تمام این مسائل به یک معرفت‌شناسی می‌انجامد، آن‌هم بدین معنی که آن ترولینگ^۵ محض است و همان‌طور که در مورد تمامی ترولینگ‌ها صادق است، شما تقریباً مجبورید که جرئت و جسارت را تحسین نمایید. در این ساعت آخرتا

کاهش گازهای گلخانه‌ای نباید تحمیلی و به لحاظ حقوقی الزام‌آور باشد (نخستین درخواست با رأی ۹۵ به ۰ سنا مورد قبول واقع شد)؛ بنابراین، دنیا پیمان پاریس را وضع کرد؛ پیمانی که بین کشورهای فقیر و غنی، تمایزی قائل نمی‌شود و اهداف الزام‌آور بیرونی را نیز تحمیل نمی‌نماید.

بنتلی آلن،^۳ استاد دانشگاه علوم سیاسی در دانشگاه جان هاپکینز^۴ می‌گوید: «ما از چیزی که کاملاً داوطلبانه بوده، بیرون می‌آییم و این بی‌معنی است. شرم‌آور و مضحک است که ما خود را از این پیمان بیرون می‌کشیم». آلن به من گفت: «تنها دلیل ترک یک چنین پیمانی، این است که شما می‌خواهید به‌طور فعالانه یک اقدام نمادین از تخریب این مورد انجام دهید».

ترامپ و مانعی برای گذار از سوخت‌های فسیلی

به دیگر سخن، ترامپ به این دلیل که نسبت به علوم آب‌وهوا مشکوک است، از این پیمان بیرون نمی‌آید و همچنین، او به دلیل آنچه این قرارداد انجام می‌دهد، آن را ترک نمی‌کند. کار پیمان آب و هوایی پاریس این است که قوانین آب و هوایی داخلی باراک اوباما را کاهش داده است که در واقع، منجر به کاهش میزان زیادی از انتشار گازهای گلخانه‌ای گردید. ترامپ به این دلیل از پیمان پاریس

ترامپ که یک بار به مدت ۲۷ دقیقه درباره غیرمنصفانه بودن پیمان پاریس سخنرانی پرشور کرده بود، دیشب اشاره‌ای به این توافق نکرد و تنها دو بار، آن‌هم به صورت گذرا به «پیمان آب و هوایی یک‌جانبه، پُرهزینه و وحشتناک» اشاره کرد. سپس وزیر امور خارجه، مایک پومپئو^۱ تنها گذاشته شد تا با یک مصاحبه مطبوعاتی کوتاه، این خلأ را پر کند. شایعاتی وجود دارد مبنی بر این‌که کمپین ۲۰۲۰ ترامپ، تلاش خواهد کرد تا رأی‌دهندگان را درباره گزارش محیط‌زیست خود متقاعد سازد؛ گزارشی که بیشتر آمریکایی‌ها مخالف آن هستند. شاید شب گذشته، مروری بر آن راهبرد بود.

در سال ۲۰۱۷، همچنان رئیس‌جمهور قول داد که فوراً مذاکرات برای ورود دوباره به پیمان پاریس را شروع کند یا درباره «یک معامله کاملاً جدید با شرایطی که برای آمریکا منصفانه باشد» مذاکره نماید. دو سال گذشته و چنین پیمانی مشاهده نشده است؛ اما این مسئله همیشه تا حدودی بی‌معنا بوده، زیرا پاریس یک پیمان داوطلبانه است. پس از شکست پروتکل کیوتو^۲ - که یک پیمان آب و هوایی از دهه ۱۹۹۰ بوده است - آمریکا چند درخواست داشته است: در هر توافق‌نامه‌ای نباید هیچ‌گونه تمایز حقوقی بین کشورهای فقیر و غنی صورت گیرد و در توافق‌نامه،

5-Trolling (تلاش برای فرار از هرگونه محدودیت و یافتن راه‌های جدیدتر و بهتر برای آزار است)

3-Bentley Allan
4-Johns Hopkins University

1-Mike Pompeo
2-Kyoto Protocol



دهه چهارم سیاست مدرن آب و هوا، به سختی می‌توان باور داشت که اعتقاد به تغییر آب و هوا، مانع اصلی برای مبارزه با آن باشد. اکثریت قریب به اتفاق آمریکایی‌ها اکنون می‌گویند که گرم شدن جهانی واقعیت دارد و یک سری از افراد می‌گویند که مردم باعث آن هستند؛ اما با این حال، لایحه آب و هوای فدرال، دقیقاً از میان کنگره برنمی‌آید. هنگامی که ترامپ آمریکا را از پیمان پاریس بیرون می‌کشد، دارد به یک

ایدئولوژی متفاوتی پاسخ می‌دهد: ایدئولوژی کربنیسم^۱. برای ترامپ، کربنیسم یک پدیده فرهنگی و اقتصادی قدرتمند است. به واژه کربن در کربنیسم فکر کنید، همانند واژه ملی در ملیت‌گرایی. این مسئله حاکی از افسانه نخستین، یک دیدگاه قدرتمند، یک نظریه ارزش و یک پیش‌گویی است؛ اما در دل خود یک ایده ساده دارد. کربنیسم، این عقیده است که سوخت‌های

فسیلی - که آلودگی کربنی را به فضا می‌فرستند، منجر به تسریع تغییر آب و هوا و اسیدی شدن اقیانوس‌ها شده‌اند - یک فضیلت درونی دارند. در واقع آن‌ها بهتر از هرگونه منابع انرژی دیگر هستند. هنگامی که دولت ترامپ طرح نیروی پاک در زمان اوپاما را با یک قانون جدیدی جایگزین می‌کند که ممکن است آلودگی را افزایش دهد، این یعنی کربنیسم. هنگامی که پری کوشید تا آمریکایی‌ها را وادار کند

1-carbonism

که از طریق لایحه‌های نیرو، برای کارخانه‌های زغال سنگ یارانه بگیرد، این یعنی کربنیسم. وقتی آژانس محافظت از محیط زیست^۱ می‌کوشد تا اجازه تخلیه آزادانه متان و سایر گازهای سمی به اتمسفر را بگیرد، این یعنی کربنیسم. وقتی این آژانس در تلاش است تا برای کارخانه‌های زغال سنگ، این اجازه را بگیرد که فلزهای سنگین و مواد سمی نوروٹوکسین را راحت تر وارد اتمسفر کنند، این یعنی کربنیسم.

کربنیسم قدرتمندتر از نئولیبرالیسم

در دولت ترامپ، کربنیسم قدرتمندتر از نئولیبرالیسم یا هر نظریه بازار آزاد دیگر است. چه چیز دیگری می‌تواند بیانگر پیشنهاد کاهش قوانین سوخت‌های کم مصرف باشد؟ دولت ترامپ با سرعت و عجله خود برای متوقف کردن هرگونه محدودیت حقوقی در خصوص کربن، در واقع ایده عرضه و تقاضا را در هم آمیخت و برای ترامپ نیز، کربنیسم قدرتمندتر از هرگونه عقیده و باور به فدرالیسم یا حقوق ایالات است. چه چیز دیگری می‌تواند علت جنگ چندساله بر سر سیاست آب‌وهوای ایالت کالیفرنیا را توضیح دهد؟

کربنیسم امری فطری در وجود این رئیس‌جمهور است. در خانه (داخل آمریکا)، سیاست‌های کربنیسم، ترامپ، متمرکز بر رشد هستند،

سیاست‌هایی که در دهه‌های پس از جنگ، زندانی شده‌اند و حسرت روابط نژادی و جنسیتی گذشته را می‌خورند. درست همان طور که رئیس‌جمهور رونالد ریگان^۲ از طریق دادن لقب ملکه‌های رفاه به زنان سیاه‌پوست، آن‌ها را با قدرت مرتبط می‌کرد، ترامپ نیز آلودگی کربنی را با صنایع سنگین و مردان سفیدپوست، مرتبط ساخته است. در خارج از آمریکا، کربنیسم ترامپ بازاری است. از این رو ادعای تکراری ترامپ مبنی بر این که آمریکا در سوریه نفت داشت یا حتی وقتی که به متحدان گُرد خود پشت کرد نیز، از همین قبیل سیاست‌ها است؛ اما نیازی نیست که کربنیسم چندان صریح و بی‌پرده هم باشد. اظهارات دیروز پومپئو در خصوص بیرون آمدن آمریکا از پیمان را در نظر بگیرید. این کربنیسم آشکار است؛ وقتی که پومپئو از واقعیت ترکیب انرژی جهانی سخن گفت، بی‌آنکه به واقعیت دیگر (گرم شدن جهانی) اشاره‌ای نماید و از اهمیت استفاده از «تمام» منابع انرژی «به صورت پاک و مقرون به صرفه (کم مصرف)» صحبت کرد که سوخت‌های فسیلی را نیز شامل می‌شود. همچنین، هنگامی که از تغییرات آب‌وهوا حرف می‌زد، فقط برای این بود که انعطاف‌پذیری نسبت به تأثیرات تغییرات آب و هوایی را افزایش دهد.

در اینجا ما می‌توانیم منطق عمیق‌تر کربنیسم را ببینیم: آلودگی کربنی هیچ‌گونه محدودیت سختی را بر پیشرفت و شکوفایی انسان‌ها تحمیل نمی‌کند و از طریق جادوی انحصاری سوخت‌های فسیلی جامعه، می‌تواند بدون هیچ تلاشی هرگونه مشکلی را حل کند. گاهی اوقات این‌گونه استدلال‌ها ریشه در درکی دقیق از پیشرفت تاریخ دارند. در حقیقت، سوخت‌های فسیلی زیاده‌روی مدرن را ممکن ساخته و استاندارد زندگی صدها میلیون نفر را بالا می‌برد؛ اما اکنون وقت آن رسیده است که از سوخت‌های فسیلی دور شویم، کربنیست‌ها شدیداً ضد پیشرفت شده‌اند یا آن‌ها استدلالات قدیمی را دوباره به شیوه‌های عجیب و غریب نوین تکرار می‌کنند. از این رو، ادعای پری در سال ۲۰۱۷ مبنی بر این که سوخت‌های فسیلی تا حدودی تجاوز جنسی را در روستاهای آفریقا کاهش می‌دهند، یکی از آن ادعاهای عجیب و غریب است.

کربنیسم، یک ایده فرهنگی و حتی اقتصادی!

به راحتی می‌توان کربنیسم را نادیده انگاشت. بسیاری از تشکیلات سیاسی از قبیل بسیاری از اصحاب رسانه، تغییرات آب‌وهوا را عمدتاً یک موضوع محیطی می‌بینند؛ بنابراین وقتی آن‌ها اصرار ترامپ را مبنی بر اینکه وی «عاشق هوای

2-Ronald Reagan

1-Environmental Protection Agency (APA)

پاک و آب پاک است» می بینند یا حتی وقتی که ترامپ، قوانین آلودگی هوای ناشی از مواد سمی را کاهش می دهد، آن ها سخت به فکر فرو می روند؛ اما ممکن است که هیچ گونه تناقضی در ذهن ترامپ وجود نداشته باشد، زیرا او کربنیسم را یک ایده فرهنگی و اقتصادی می بیند؛ و تا حدودی هم حق با او است. تغییرات آب و هوا در دنیای طبیعی، خسارت و ویرانی به بار می آورد، اما منشأها و عواقب شوم آن، جامعه انسانی را در بر خواهد گرفت. مبارزه با تغییرات آب و هوایی و کربن زدایی، به معنای آن است که متابولیسم اقتصاد جهانی را از نو بسازیم که این امر ممکن است، اما سخت تر از نصب یک تعداد مبدل کاتالیزور است.

در واقع، کربنیسم ما را نیز احاطه کرده و تا حدودی فرهنگ سیاسی ما، همچنان کربنیستی است. کسری نگران کننده بودجه فدرال یک ایده است و نه حقیقت فیزیکی، حال آنکه دی اکسید کربنی که به آسمان می رود، یک واقعیت است. همین الان کربن از اجاق گازها، از لوله آگزوز اتومبیل ما بیرون می آید و از آتش گاز یا زغال سنگی که موجب روشن شدن توربین یا گردش الکترون ها به دور صفحه نمایشی که شما از روی آن می خوانید، می شود، به بیرون فوران می کند. کربنی که همین الان وارد اتمسفر می شود، بیشتر از عمر نوه های ما در آن باقی

خواهد ماند. کربن به عنوان یک حقیقت فیزیکی خارج از کنترل باقی خواهد ماند و تا قرن ها گرما را به دام خواهد انداخت و وضعیت زمین شناختی را برهم خواهد زد و به لطف منطق وحشتناک قانون دوم ترمودینامیک، گرمایی که به دام می افتد تا هزاران سال از سیستم اتمسفر، خارج نخواهد شد.

پیمان پاریس وجود دارد، زیرا بقیه جهان موافق آن هستند. به جای آن که مبارزه با تغییرات آب و هوایی را کانون آلام بنامد، این پیمان دانسته است که در دنیای پس از کربن، افراد پیروز کسانی خواهند بود که اول از همه حرکت کرده و دست به کار شدند؛ بنابراین، اتحادیه اروپا و تا حد کمتری چین در حال سرمایه گذاری بر روی یک انرژی تجدید پذیر هستند. اگرچه پنل های خورشیدی در آزمایشگاه های آمریکایی و توسط کارمندان یک شرکت آمریکایی اختراع شدند، اما در حال حاضر، چین و آلمان هستند که زنجیره تأمین جهانی پنل ها را کنترل می کنند. حتی اگر آمریکایی ها بخواهند مجدداً وارد بازار شوند، مجبورند که برای به دست آوردن سهم بازار بجنگند.

اعتباری که از آمریکا بر باد می رود، از خیانت به آب و هوا تا کردها!

در اینجا یک سخن استناد دارد وجود دارد و آن این است که وقتی آمریکا از پیمان پاریس و معاهداتی نظیر

آن بیرون می آید، اعتبارش در خارج خدشه دار می شود. پس از خیانت ما به کردها، یک چنین نگرانی، کمی بی معنا به نظر می رسد. اگر شما می خواهید به ما کمک کنید تا با دولت اسلامی بجنگیم و سپس، ما شما را ترک کنیم، پس چرا شما باید باز هم درباره یک پیمان آب و هوایی به ما اعتماد کنید؟

آسیبی که به اعتبار آمریکا رسیده است، قبلاً هم وارد شده بود. اکنون خطر واقعی برای قدرت آمریکا وجود دارد. شاید یک روز نه چندان دور، چند دولت جهانی تصمیمی بگیرند و به این نتیجه برسند که دوره کربن به سر رسیده است؛ و آن ها حامی سرمایه گذاری های انبوه در بازسازی اقتصاد انرژی جهانی باشند و جریان های آشفته تأمین مالی بین المللی را مجدداً هدایت نمایند. اگر آمریکا در میان این دولت ها نباشد، بانک های آمریکایی - که ثروت آن ها به شدت وابسته به سوخت های فسیلی است - متحمل یک ارزیابی مجدد ناگهانی خواهند شد و دلار قدرتمند که تضمین کننده قدرت آمریکا بوده است، در میان شعله های آتش کربنیسم خواهد سوخت.

منبع

این مقاله در آدرس ذیل، در دسترس قرار دارد:
<https://www.theatlantic.com/science/archive/2019/11/ideology-behind-donald-trumps-paris-withdrawal/601462/>